



## جنگ غزه و تشدید تنش‌ها در خاورمیانه

غرق در آتشی مهیب و فرو رفته در دریایی از خون. بیش از سه ماه است که کسی در غزه احساس امنیت نمی‌کند، کسی نمی‌داند فردا زنده است یا نه. بیش از سه ماه است که مادران و پدران شاهد جان باختن کودکان‌شان هستند، شاهد جان باختن دختران و پسران‌شان، و کودکانی که پدر بزرگ‌های‌شان هستند، بدن‌های قطعه قطعه. در دنیایی که سیاستمداران‌شان هر روز از حقوق بشر سخن می‌گویند، بیش از سه ماه است که غزه خون می‌گریزد. در غزه تنها وحشت، درد، بیماری، گلوله، ویرانی، گرسنگی، سرما، بیماری و مرگ تقسیم می‌شود. در غزه کسی نمی‌خندد، غزه ویران شده است، غزه پیر شده است، اما نخواهد مُرد. غزه با تمام دردهای‌اش خواهد ماند، با تمام خاطرات‌اش از این روزهای سیاه، تا آیندگان فراموش نکنند که چگونه در قرن ۲۱ و در برابر چشمان جهانیان، فاشیسم مردم غزه را از کودک و پیر سلاخی کرد.

با گذشت بیش از سه ماه از کشتار فلسطینیان به بهانه‌ی حمله‌ی جنایتکارانه‌ی حماس، هیچ نشانی از پایان جنگ در دست نیست. مقامات دولت اسرائیل در روزهای اخیر از تغییر تاکتیک ارتش اسرائیل در غزه خبر دادند، اما اخبار همچنان هراس‌انگیز است. نه فقط غزه که کرانه باختری نیز در تمام این مدت از حملات ارتش اسرائیل در امان نبوده است. همچنان هر روز اخباری از کشتار فلسطینیان منتشر می‌شود، کشتاری که تاکنون جان بیش از ۲۲ هزار فلسطینی - که اکثریت بزرگ آن‌ها غیرنظامی بودند - گرفته است.

روز شنبه سخنگوی ارتش اسرائیل مدعی شد حماس به‌عنوان یک قدرت نظامی در شمال غزه

در صفحه ۲

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

زنده باد اعتصاب  
از اعتصاب کارگران مبارز  
فولاد اهواز حمایت کنیم

در صفحه ۹

## اقدام تروریستی داعش در کرمان، نشانه‌دیگری از پوسیدگی و از هم گسیختگی رژیم

ضربات داخلی را ترمیم کند، از خارج ضربه می‌خورد. نیروی نظامی و امنیتی خود را برای سرکوب و بعیند کشیدن مردم ایران متمرکز می‌کند، اما کنترل امنیتی در حاشیه و مناطق مرزی را از دست می‌دهد. مانع دسترسی مردم به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌شود، اما سامانه‌ها و مراکز حساس‌اش از نمونه تلویزیون و جایگاه‌های سوخت در سراسر ایران هک می‌شوند. درگیر جنگ با مردم ایران به عنوان

در صفحه ۳

## برآشفستگی و هذیان گویی خامنه‌ای برای چیست؟

با گسترش مبارزات مردم و تشدید و تعمیق تضادهای درون جامعه، بحران‌های حاکمیت نیز از ژرفای بیشتری برخوردار شده‌اند. بحران‌های ناعلاجی که چشم انداز سقوط حاکمیت را آشکار و ادامه حیات را برای جمهوری اسلامی مشکل کرده است.

در چنین وضعیت نابسامان و ناپایداری است که دزدی و فساد و رانت خواری نیز تمام ارکان حاکمیت را فرا گرفته، خزانه دولت خالی و کسری بودجه‌های سالیانه نیز به ارقام چندصد

در صفحه ۶

جمهوری اسلامی سرگیجه گرفته است. ضربات یکی پس از دیگری فرامی‌رسند. وضعیتی که این رژیم با آن روبه‌روست، سرنوشت محتوم هر دولت غوطه‌ور در بحران‌هاست که فاقد هرگونه حمایت توده‌ای است و تنها با تکیه به مزدوران مسلح و دستگاه امنیتی خود می‌خواهد ادامه حیات ننگینش را تضمین کند. یک چنین رژیمی از درون پوسیده و از هم گسیخته است. درحالی‌که درگیر مقابله با بحران‌های داخلی است، بحران‌های خارجی‌اش اوج می‌گیرند. می‌کوشد

## دست طلاب و دین و خرافه از مدارس کوتاه!

شکست سیاست‌های جمهوری اسلامی در زمینه تحمیل دین و خرافه به جامعه بویژه به نسل جوان و تعمیق شکاف میان حاکمیت و توده‌های مردم، رژیم ارتجاعی را به اقداماتی وا می‌دارد که بیش از هر چیز نمایانگر استیصال و ناتوانی‌اش در حل و یا حداقل تخفیف موقت بحران‌هاست. هر اقدام حکومت در هر عرصه‌ای به معضلی جدید تبدیل می‌شود و حکومتی که در چنبره تضادهای متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گرفتار است، همچون غرقیتی در گرداب تقلا

در صفحه ۵

## "شرمندهام که بچه خوبی برای شما نبودم"

روز چهارشنبه ششم دی‌ماه ۱۴۰۲ یک دختر ۱۵ ساله که مأموران حکومتی به خاطر حجاب مانع ورود وی به داخل مجتمع نگین شدند، از دست مأموران به داخل مجتمع گریخت و از طبقه سوم خودش را به پایین پرت کرد و درجا جان داد. شش روز بعد (۱۲ دی) مینا صادقی ۱۹ ساله از اهالی چرام در قبرستان ده دشت مرکز شهرستان کهگیلویه خود را کشت. همان روز یک کارگر شاغل در آبشیرین‌کن چابهار به خاطر معوقات مزدی اقدام به خودکشی کرد. دو روز بعد (۱۴ دی) یک استاد دانشگاه پس از اخراج، دست به خودکشی زد که مراسم خاکسپاری وی در سنجند برگزار شد.

روز و هفته‌ای نیست که خبر خودکشی در رسانه‌ها منتشر نشود. تمامی شواهد حاکی از آن است که توأم با تشدید بیش‌ازپیش فشارهای اقتصادی و معیشتی، گسترش ابعاد نابسامانی‌های اجتماعی و رشد روزافزون بیکاری، استرس و بی‌چشم‌اندازی و ناامیدی در میان اقشار مختلف رسوخ بیشتری یافته و میزان خودکشی‌ها نیز فزونی یافته است. دامنه فجایی که نظام سرمایه‌داری و رژیم سیاسی و ارتجاعی حاکم ببار آورده چنان وسیع و همه‌جانبه است که خودکشی‌ها به افراد و گروه‌های گوناگون اجتماعی و سنین مختلف از دانش‌آموز کم سن و سال گرفته تا کارگران میان‌سال، از جوانان بیکار گرفته تا تحصیل‌کرده‌ها و حتی اساتید دانشگاهی نیز تعمیم‌یافته است.

در صفحه ۷

## زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## جنگ غزه و تشدید تنش‌ها در خاورمیانه

دیگر وجود ندارد. پیش از آن، دفتر وزیر دفاع اسرائیل با انتشار بیانیهای اعلام کرده بود که ارتش اسرائیل در منطقه شمالی نوار غزه، روش جنگی جدیدی، شامل تخریب تونل‌ها و عملیات ویژه در پیش خواهد گرفت. براساس بیانییه، در جنوب غزه ارتش اسرائیل همچنان به جنگ برای آزادی گروگان‌ها و بازداشت رهبران حماس ادامه خواهد داد. ادامه بمباران جنوب غزه درحالیست که عمده جمعیت ۲/۳ میلیون نفری غزه که آواره شده‌اند، در این منطقه پناه گرفته‌اند. اتخاذ "تاکتیک جدید جنگی" ارتش اسرائیل و بازگرداندن نیروهای ذخیره از غزه، در حالیست که براساس برآوردهای مقامات وزارت دفاع آمریکا، حماس همچنان از توان نظامی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و در این سه ماه ارتش اسرائیل نتوانسته است از نظر نظامی حماس را متلاشی سازد. از همین‌رو زمان پایان جنگ همچنان در پرده‌ی ابهام است، اگرچه فشار بر دولت اسرائیل حتا از سوی دولت آمریکا برای نقطه پایان گذاشتن بر جنگ افزایش یافته است. مکرون رئیس جمهور فرانسه نیز خواستار برقراری فوری آتش‌بس دائمی شده است. اما مهم‌تر از همه‌ی این‌ها افزایش مخالفت بخشی از مردم اسرائیل با ادامه جنگ است که مدام در حال گسترش است و در روزهای اخیر شاهد اعتراضات متعددی علیه نتانیاهو و ادامه جنگ در غزه بودیم.

یکی از دل‌مشغولی‌های دولت‌های آمریکا و اروپای غربی خطر گسترش جنگ به دیگر مناطق است و تلاش این دولت‌ها برای رسیدن به آتش‌بس (موقت یا دائمی) از جمله متوجه همین نگرانی می‌باشد. سفر دو مقام دولت آمریکا آن هم در شرایطی که تنش‌های منطقه‌ای افزایش یافته است، یکی از تلاش‌های دولت آمریکا برای کاهش تنش در منطقه است. وزیر خارجه دولت آمریکا روز ۵ شنبه با سفر به ترکیه، سفر خاورمیانه‌ای خود را آغاز کرد و بعد از سفر به یونان و چند کشور منطقه‌ای در نهایت مذاکراتی در مصر، اسرائیل و کرانه باختری با مقامات آن دولت‌ها برگزار خواهد کرد. آموس هوکشتاین، نماینده ویژه دولت آمریکا نیز روز ۵ شنبه به اسرائیل رفت و با نتانیاهو و وزیر دفاع اسرائیل مذاکره کرد. مذاکرات وی با مقامات دولت اسرائیل بویژه بر روی تنش دولت اسرائیل با حزب‌الله لبنان متمرکز بود. مقامات اسرائیل در این مذاکرات مدعی شدند که وقت برای حل دیپلماتیک درگیری‌های ارتش اسرائیل و حزب‌الله لبنان رو به پایان است، ادعایی که به نظر نمی‌آید چندان واقعی باشد.

اگرچه حدود ۹۰ هزار نفر از ساکنان اسرائیل بر اثر حملات راکتی و موشکی حزب‌الله از شمال این کشور تخلیه شده‌اند، اما واقعیت این است که دولت اسرائیل در شرایط کنونی تمایلی به جنگ با حزب‌الله لبنان ندارد.

البته حزب‌الله لبنان و دیگر طرف‌های درگیر نیز تمایلی برای یک جنگ همه جانبه ندارند. لبنان درگیر یک بحران اقتصادی و سیاسی عمیق است. حزب‌الله لبنان هم اکنون نیز با مخالفت‌های شدیدی از سوی مردم لبنان روبروست و درگیر شدن در جنگی که می‌تواند به کشتار غیرنظامیان و ویرانی بخش‌هایی از لبنان منجر شود، حزب‌الله را در صحنه‌ی سیاسی لبنان منزوی خواهد کرد. اما به دلیل ادامه جنگ، حزب‌الله برای ترمیم چهره‌ی "محور مقاومت" یا همان جمهوری اسلامی و مزدوران آن در منطقه، مجبور به واکنش‌های محدود شده است. تداوم عملیات جنگی اسرائیل در غزه که احتمالا تا نابودی توان نظامی حماس در غزه ادامه خواهد یافت، علاوه بر این‌که یک شکست بزرگ برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، نمی‌تواند با سکوت محض جمهوری اسلامی و مزدوران منطقه‌اش ادامه یابد. آن‌ها مجبور به واکنش هستند و تداوم جنگ می‌تواند به تشدید تنش در منطقه منجر شود. بویژه آن‌که کشش رضی موسوی و صالح العاروری آن‌ها را در محصه‌ی جدیدی قرار داده است.

به‌گفته‌ی حسن نصرالله این گروه تاکنون حدود ۶۷۰ عملیات نظامی در مرز با اسرائیل انجام داده است. درگیری‌ها در جنوب لبنان منجر به آوارگی ۸۰ هزار نفر از مردم لبنان شده و بیش از ۱۵۰ شبه‌نظامی حزب‌الله نیز کشته شده‌اند. در پی کشته شدن صالح العاروری نائب رئیس دفتر سیاسی حماس و ۵ تن دیگر از جمله دو فرمانده نظامی حماس، با حمله پهبادی اسرائیل در بعدازظهر سه‌شنبه ۱۲ دی به دفتر این گروه در محله المشرفیه در حومه جنوبی بیروت، حزب‌الله لبنان روز چهارشنبه ۱۱ موشک و راکت علیه اهدافی در شمال اسرائیل شلیک کرد. بدنبال این حملات، بار دیگر اسرائیل با حمله به مواضع حزب‌الله لبنان ۹ تن از اعضای این گروه شبه نظامی از جمله یکی از فرماندهان آن به نام حسین یزبک را به قتل رساند. در روزهای بعد نیز آتش‌پراکنی بین دو طرف با شدتی بیش از گذشته ادامه یافت.

سفر جوزپ بورل (که از لبنان آغاز شد) و دو مقام دولت آمریکا به منطقه نشان‌گر بحرانی‌تر شدن شرایط منطقه، بویژه در مرز اسرائیل و لبنان است که بالاترین اهمیت در جلوگیری از گسترش جنگ را دارد. جوزپ بورل قبل از سفر به منطقه گفته بود: "اگر این فاجعه به‌زودی پایان نپذیرد، ممکن است تمامی خاورمیانه در شعله‌های آتش آن بسوزد".

جدا از مرز لبنان و اسرائیل، در سوریه و بویژه عراق نیز شاهد تشدید تنش بین شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی با نیروهای آمریکایی مستقر در سوریه و عراق هستیم. از آغاز جنگ غزه تاکنون، نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه حدود ۱۲۰ بار هدف حمله

شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند، اما نیروهای نظامی آمریکا تاکنون واکنش‌های محدودی به این حملات داشتند، اگرچه حملات محدود نیروهای نظامی آمریکا برخلاف حملات فراوان شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی تلفات جانی به نسبت زیادی داشته است. در دو هفته اخیر نیروهای نظامی آمریکا سه قرارگاه کتائب حزب‌الله را مورد حمله قرار دادند که چندین عضو این گروه کشته شدند. پنج‌شنبه گذشته نیز نیروهای نظامی آمریکا با پهباد ساختمانی را که مورد استفاده تیپ ۱۲ حشدالشعبی معروف به "النجباء" بود، هدف قرار دادند که دو عضو این گروه از جمله یکی از رهبران آن به نام "ابو تقوی" کشته شد. در پی این حمله دولت عراق با تروریستی نامیدن اقدام دولت آمریکا از تشکیل کمیته‌ای دو جانبه برای برنامه‌ریزی خروج نیروهای "ائتلاف به رهبری آمریکا" از عراق خبر داد. هم اکنون کمتر از ۳۰۰۰ نظامی آمریکا در عراق مستقر هستند.

جمهوری اسلامی پس از آن‌که نتوانست در حمایت از حماس اقدام عملی انجام دهد، اکنون برای آن‌که بتواند آبروی بریادرفته را کمی ترمیم کند، بر روی این موضوع تمرکز کرده است که نیروهای نظامی آمریکا را از عراق بیرون براند تا آن را به‌عنوان یک دستاورد "مقاومت" تبلیغ کند. حسن نصرالله نیز که به طور واقعی زبان جمهوری اسلامی است، در سخنرانی اخیر خود بر روی همین موضوع تاکید کرد و گفت: "مقاومت اسلامی عراق فرصتی تاریخی دارند تا از حضور آمریکا در عراق خلاص شوند".

حملات حوثی‌ها یکی دیگر از گروه‌های "نیابتی" جمهوری اسلامی به کشتی‌ها در دریای سرخ یکی دیگر از اضلاع تنش در خاورمیانه است. با بالا گرفتن تنش در دریای سرخ، شورای امنیت سازمان ملل نیز روز چهارشنبه در اولین جلسه این شورا در سال نو میلادی از حوثی‌ها خواست تا حملات خود به کشتی‌ها در دریای سرخ و خلیج عدن را متوقف و کشتی "گلکسی لیدر" و خدمه آن را آزاد کنند. حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها منجر به تغییر مسیر کشتی‌های باری شده است که حداقل ۱۰ روز سفر اضافه و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی را بدنبال آورده است.

به‌رغم تهدیدات دولت آمریکا و متحدانش و موضع‌گیری شورای امنیت، و حتا وقوع وقعه‌های دو روزه در حملات حوثی‌ها، از روز شنبه حملات حوثی‌ها با قایق، پهباد، شهاب و موشک به کشتی‌ها از سرگرفته شد. پیش از برگزاری جلسه شورای امنیت، نیروی دریایی آمریکا در پی حمله ۴ قایق حوثی‌ها به یک کشتی باربری، ۳ قایق حوثی‌ها را با سرنشینان آن غرق کرده و قایق چهارم نیز مجبور به فرار شده بود. دولت آمریکا و متحدانش روز چهارشنبه با انتشار بیانیهای با عنوان "آخرین هشدار" حوثی‌ها را تهدید کرده بودند که در صورت حمله مجدد به کشتی‌ها "آماده تحمل پیامدهای آن باشند". اخباری نیز از آمادگی نیروی دریایی این دولت‌ها

## اقدام تروریستی داعش در کرمان، نشانه‌دیگری از پوسیدگی و از هم گسیختگی رژیم

دشمن داخلی است، از یک گروه کوچک اسلام‌گرای رقیب ضربه می‌بیند.

اگر فرض را بر این بگذاریم که داعش عامل بمب‌گذاری کرمان است، آن را باید جدیدترین اتفاقی دانست که بازتاب از هم‌گسیختگی جمهوری اسلامی و دستگاه‌های رنگارنگ نظامی و امنیتی آن است. هنوز چند روزی از کشته شدن نیروهای نظامی‌اش در بلوچستان و نعل‌کشی آن‌ها نگذشته است که حالا شاهد اقدام انتحاری داعش در کرمان و کشته و زخمی شدن گروهی دیگر است.

جمهوری اسلامی برای برگزاری مراسم چهارمین سال‌مرگ سلیمانی این جلاد و آدم‌کش حرفه‌ای، تدارک وسیعی دیده بود. بر طبق گزارش رسمی مقامات محلی ۱۵۰ هزار یا به گفته معاون استانداری کرمان ۲۰۰ هزار مزدور را از سراسر کشور به‌ویژه از استان‌ها و شهرهای مجاور به کرمان گسیل کرد که در میان آن‌ها حتی گروهی از دانش‌آموزان بسیجی روستاها و شهرهای اطراف کرمان نیز حضور داشتند. معاون استانداری همچنین از «ورود شش هزار زائر خارجی از کشورهای مختلف» به کرمان نیز خبر داد. استانداری کرمان روز چهارشنبه را تعطیل اعلام کرد و تبلیغات وسیعی را برای شرکت مردم در مراسم دولتی سازمان دادند. مزدوران تشکیلات مذهبی رژیم در مدارس گروهی از دانش‌آموزان را که در گروه‌های مذهبی سازمان‌دهی کرده بودند، به این مراسم ارتجاعی کشاندند. با تمام این اوصاف، بدیهی است وقتی یک رژیم چنین مراسمی را برگزار می‌کند، لاقبل برای حفاظت از جان کودکانی که به‌عنوان دانش‌آموزان بسیجی به این مراسم آورده شده یا امثال آن حزب‌اللهی‌احمقی که با تمام خانواده‌اش از کودک و بزرگ، راه می‌افتند و تمام ۹ نفر این خانواده کشته می‌شوند، اقدامات امنیتی لازم را هم انجام داده باشد. اما آنچه رخ داد، نشان داد که رژیم تا چه حد حتی از جهت امنیتی ناتوان و دچار از هم‌گسیختگی است. بنابراین در همان روز چهارشنبه که اولین روز برگزاری مراسم یک‌هفته‌ای‌شان بود، دو انفجار رخ داد و تمام بساط آن‌ها را به هم ریخت.

واکنش جمهوری اسلامی به آنچه که رخ داد، چه بود؟ رژیم از همان آغاز کوشید که با دروغ‌های همیشگی‌اش واقعیت را کتمان کند. معلوم بود که اقدام تروریستی، شیوه عمل آدمکشی نوع داعشی است. اقدامی از این نوع در ایران و کشورهای دیگر سابقه داشت. حتی منابع خارجی در همان دقایق اول انفجارها اعلام کردند، شیوه عمل، اقدامات نظامی داعش است. جمهوری اسلامی هم می‌دانست، اما آن را برملا نکرد.

بمحض انفجار نخست، اعلام شد اتفاق خاصی رخ نداده، کیسول گاز ترکیده، جای نگرانی نیست و مراسم ادامه دارد. اما وقتی که چند دقیقه

بعد انفجار دوم رخ داد، دیگر نمی‌شد انکار کرد اتفاقی رخ نداده است. چون تعداد زیادی کشته و زخمی شده بودند و بقیه نیز از ترس جان خود فرار کرده و مراسم را ترک کرده بودند. بنابراین، خبر اول تغییر کرد. اعلام شد که یک اقدام تروریستی صورت گرفته و دو کیف بمب‌گذاری در سط‌های زیاله جاسازی‌شده بود و تروریست‌ها از راه دور با ریموت کنترل بمب‌ها را منفجر کرده‌اند. انگشت اتهام هم به‌سوی اسرائیل نشانه رفت. ابهام بیشتر شد. چگونه در این مدت کوتاه این اطلاعات دقیق از کیف‌هایی که گویا با این انفجارهای قوی، خودشان نابود نشده‌اند و عوامل اجرائی آن‌هم فرار کرده‌اند، به دست آمد؟ معلوم بود که این ادعای رژیم جعلی است. واکنش مردم به دروغ‌های پی‌درپی رژیم روشن بود. کار خودشان است.

چیزی از علت واقعی و عامل اصلی انفجار گفته نشد تا این‌که اطلاعیه داعش انتشار یافت و این گروه رسماً مسئولیت آدمکشی را پذیرفت و اعلام کرد دو عامل این گروه «عمر الموحّد و سیف‌الله مجاهد به‌سوی اجتماع بزرگ شیعیان مشرک در نزدیکی قبر قاسم سلیمانی در شهر کرمان» رفته و «کمربندهای انفجاری خود را در میان جمعیت منفجر کردند که بیش از ۳۰۰ شیعه مشرک را کشت یا زخمی کرد». ماجرای درگیری و جنگ میان داعش و جمهوری اسلامی به‌عنوان سبیل‌های دو فرقه شیعه و سنی هم برکسی پوشیده نیست. فقط باید اشاره کرد که با همان قساوت و بی‌رحمی که داعش کشتار کرده و می‌کند، قاسم سلیمانی هم با همان قساوت و بی‌رحمی در عراق و سوریه حتی به زنان و کودکان داعشی رحم نکرد و آن‌ها را کشتار کرد. وحشی‌گری و آدمکشی جمهوری اسلامی و داعش یکی است.

اما حالا که داعش مسئولیت اقدام تروریستی خود را برعهده‌گرفته بود، جمهوری اسلامی تازه پذیرفت که بله، آنچه در کرمان رخ داد، در نتیجه عملیات انتحاری داعش بوده است. اما چگونه می‌بایستی قضیه را توجیه کنند که پاسخ‌گوی دروغ‌پردازی‌های روز قبل از آن باشد. سایت‌های وابسته به سپاه پاسداران متن واحدی را به شرح زیر انتشار دادند.

"حمله تروریستی به مراسم سالگرد شهید سلیمانی در کرمان توسط رژیم صهیونیستی طراحی و با استفاده از عوامل تکفیری داعش اجرا شد.

رژیم صهیونیستی چند ساعت بعد از اجرای عملیات برای فرار از تبعات این اقدام به خلافت داعش دستور داد تا مسئولیت این اقدام را بپذیرد. این در حالی بود که دقایقی بعد از عملیات اظهارنظرهای برخی از مقامات و اکانت‌های وابسته به رژیم صهیونیستی نشان می‌داد که رژیم

صهیونیستی عامل اصلی این جنایت علیه مردم ایران است.

درواقع بیانیه‌ای که داعش با تأخیر در پذیرش مسئولیت حادثه تروریستی کرمان منتشر کرد را سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی تنظیم کرده بود و خلافت داعش صرفاً انتشار آن را از رسانه‌های رسمی خود بر عهده داشته است.

این اقدام صهیونیست‌ها اول‌از‌همه ترس این رژیم از تبعات اقدامش را نشان می‌دهد و همچنین اثبات می‌کند که گروهک تروریستی - تکفیری داعش در واقع ابزار دست رژیم صهیونیستی است."

با این تحلیل‌های مسخره و رسوا روشن است که چرا مردم ایران، از همان آغاز انگشت اتهام را به‌سوی خود رژیم نشانه رفتند.

اما کتمان واقعیت به موارد بالا محدود نبود. تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها طی دو روز چند بار دست‌کاری شد. در ساعات نخستین انفجار، همان شیوه‌های تحمیق و عوام‌فریبی مذهبی به کار گرفته شد که درگذشته هم نمونه‌های آن وجود داشت.

خبرگزاری‌های رژیم اعلام کردند ۷۳ تن کشته شدند تا گویا یادآور کشته‌های صحرای کربلا و تهییج‌کننده دین باوران باشد. اما بالاخره عصر همان روز، سخنگوی اورژانس کشور گفت: "تاکنون ۱۰۳ نفر شهید و ۲۱۱ نفر مجروح شده‌اند و احتمال افزایش تعداد شهدا وجود دارد."

اما یک روز بعد از آن علی‌رغم اینکه تعدادی از مصدومین جان خود را از دست دادند، آماری که از سوی رژیم اعلام شد، نه‌فقط بر تعداد کشته‌ها افزوده نشد بلکه برعکس کاهش یافت. اعلام شد ۸۴ نفر کشته و ۲۸۴ نفر نیز مصدوم شده‌اند.

علت آن‌هم دو بار شمارش شدن ذکر شد. اما چنین به نظر می‌رسد که قبل از اعلام اسامی کشته‌ها به دلایل سیاسی و امنیتی برخی اسامی از لیست کشته‌ها حذف شده است.

اداره کل پزشکی قانونی استان کرمان عصر جمعه فهرست آمار نهایی کشته‌ها را ۸۹ نفر اعلام کرد

وزیر کشور ارتجاع اسلامی نیز گفت که از این تعداد: ۵۴ زن و ۳۴ مرد هستند. از این تعداد ۱۲ مهاجر افغانستانی هستند. ۱۰ نفر زیر ۱۰ سال و ۳۰ نفر زیر ۱۸ سال سن دارند. جالب می‌شد اگر وزیر کشور جمهوری اسلامی با همین جزئیات اعلام می‌کرد که رژیم داعشی حاکم بر ایران، سال گذشته چه تعداد از مردم ایران را در خیابان‌ها و زیر شکنجه کشت و چه تعداد از آن‌ها زن و کودک بودند.

با این اقدام تروریستی داعش، توپ‌وتشر سران و مقامات رژیم به روال گذشته آغاز شد.

خامنه‌ای، در پیامی گفت که «این فاجعه‌آفرینی پاسخ سختی در پی خواهد داشت». «چه دست‌های آلوده به خون بی‌گناهان و چه مغزهای مفسد و شرارت‌زا که آنان را به این گمراهی کشانده‌اند، از هم اکنون آماج قطعی سرکوب و مجازات عادلانه خواهند بود».

## اقدام تروریستی داعش در کرمان، نشانه دیگری از پوسیدگی و از هم گسیختگی رژیم

وزیر کشور جمهوری اسلامی هم که همواره یک "پاسخ قاطع و کوبنده" در جیب دارد در واکنش به این انفجارها در گفت‌وگوی زنده تلویزیونی گفت که عوامل این «جنایات» باید «منتظر پاسخ کوبنده و قاطع دستگاه‌های امنیتی و انتظامی ایران باشند».

اژدهای رئیس قوه قضائی "دستگاه‌های مسئول اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی را مکلف ساخت با سرعت و دقت، به تعقیب تمام سرنخ‌ها و عاملان و مسببان این جنایت اهتنام ورزند و آنان را به سرپنجه قضایی کشور بسپارند."

روشن بود حالا که همه سران رژیم دستور قاطع برای پیگرد صادر کرده‌اند، باید مقدم بر هر چیز فشار بر مردم و سرکوب‌ها افزایش یابد، از این رو دادستان کل رژیم اعلام کرد: "برخی افراد فریب‌خورده در حادثه تروریستی کرمان محتوای مجرمانه را در فضای مجازی تولید و منتشر کردند که این افراد با رصدهای اطلاعاتی و امنیتی لازم شناسایی شدند و با آنان برخورد‌های قانونی انجام می‌شود." بعد هم به هر شکل ممکن همچون موارد متعدد گذشته، کسانی را پیدا کنند که زیر شکنجه و شلاق اعتراف کنند همکار و سرنخ تروریست‌ها بوده‌اند. همین اتفاق هم سریعاً رخ داد. روز جمعه وزیر کشور خبر داد:

"با توانمندی سرویس‌های اطلاعاتی کشور، سرنخ‌های بسیار خوبی پیدا شد و برخی از کسانی که در این حادثه تروریستی نقش داشتند، دستگیر شدند که اطلاعات کامل توسط دستگاه‌های اطلاعاتی اعلام می‌شود.

چندساعتی بعد هم وزارت اطلاعات اطلاعیه‌ای انتشار داد و اعلام کرد: ۹ عضو مرتبط با حادثه تروریستی کرمان در ۶ استان دستگیر و کشف تجهیزات آماده انفجار از آن‌ها کشف شد. حال باید منتظر صحنه‌های بعدی نمایش وزارت اطلاعات بود.

برای مردم ایران که سال‌ها نمونه جنگ و جدال‌های ارتجاعی میان جمهوری اسلامی با دولت‌ها و گروه‌های رقیب اسلام‌گرا، کشتارها، ترورها، صحنه‌سازی‌ها و نمایش‌های وزارت اطلاعات را دیده‌اند، اتفاق جدید هم تازگی ندارد و می‌دانند تا روزی که جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار است، از این ماجراها فراوان خواهیم داشت.

اما تا جایی که بحث اتفاق اخیر در رابطه با وضعیت بحرانی و از هم گسیخته جمهوری اسلامی در میان است، این اتفاق پوسیدگی جمهوری اسلامی را حتی در میان طرفداران و مزدوران آن نیز برملا کرد. نشان داد که این رژیم حتی قادر به تأمین امنیت مزدوران خود و مراسم‌های فرمایشی دولتی هم نیست. این رژیم از هرجهت در حال فروپاشی است. پوسیده است و چندان طول نخواهد کشید که توده‌های کارگر و زحمتکش و تمام ستم‌دیدگان مردم ایران بساط آن را از ایران جاروب کنند و به فجایع آن پایان بخشند.

## جنگ غزه و تشدید تنش‌ها در خاورمیانه

سونیس

برای هدف قرار دادن انبار مهمات، پرتاب‌کننده‌های موشک‌های ضد کشتی، پهپادها و نیز زیرساخت‌هایی مانند سامانه‌های رادار ساحلی متعلق به حوثی‌ها منتشر شده است.

با در نظر گرفتن تمام شرایط، واقعیت این است که در دولت اسرائیل هنوز هیچ نشانه‌ای از تمایل به پایان جنگ وجود ندارد. اما در سوی دیگر، با جنگ غزه بحران فلسطین و حل معضلی که نزدیک به یک قرن طول کشیده، به یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاسی جهان تبدیل شد. معضلی که در کنار مبارزات مردم فلسطین، تنها با فشارهای بین‌المللی بر دولت اسرائیل هم از سوی افکار عمومی و هم از سوی دولت‌ها بویژه دولت آمریکا می‌تواند به یک سرانجامی برسد تا مردم فلسطین در محدوده‌ای به حق و حقوق خود برای داشتن کشوری مستقل برسند. حتا جوزف بورل نیز به این موضوع اعتراف کرد و گفت: "آنچه ما در بیش از ۳۰ سال گذشته آموخته‌ایم و اکنون با فاجعه غزه می‌آموزیم، این است که راه حل پایان دادن به درگیری میان اسرائیل و فلسطین باید از بیرون تحمیل شود. از آنجا که دو طرف هرگز نمی‌توانند به توافق برسند، راه حل احتمالی برای این مناقشه باید از سوی جامعه بین‌المللی و از بیرون به طرفین تحمیل شود."

موضوع مهم دیگر، خطر تشدید تنش در خاورمیانه است. احتمالاً دولت روسیه به دلیل شرایط ویژه‌ای که در آن قرار دارد از جمله جنگ در اوکراین و تمایل‌اش به کشیدن پای دولت آمریکا به یک جنگ تمام عیار، تنها دولتی باشد که از گسترش جنگ منفعیت ببرد. اما سایر دولت‌های امپریالیستی از آمریکا تا چین خواستار تشدید تنش نیستند. بازیگران منطقه‌ای از دولت ترکیه تا عربستان و مصر نیز خواستار کاهش تنش‌ها هستند. در آن سو، جمهوری اسلامی نیز خواستار از کنترل خارج شدن تنش نیست. اما واقعیت این است که نمی‌توان خطراتی که تشدید تنش و از کنترل خارج شدن آن خاورمیانه را تهدید می‌کند، نادیده گرفت.

در عین حال موضوع مهم دیگری که به کارگران و زحمتکشان ایران برمی‌گردد این است که تداوم تنش در منطقه باعث افزایش هر چه بیشتر هزینه‌های نظامی جمهوری اسلامی می‌شود، از سوی دیگر تداوم تنش هزینه‌های دیگری از جمله تشدید تحریم‌ها را به مردم تحمیل می‌کند. جدا از همه این‌ها جمهوری اسلامی از این شرایط برای تحکیم و گسترش دستگاه سرکوب و جو امنیتی در جامعه بهره می‌برد. بنابراین تا آنجا که به کارگران و زحمتکشان ایران مربوط می‌شود این تنش‌ها برخلاف منافع آن‌هاست، اما جمهوری اسلامی تا زمانی که بر سریر قدرت است این وضعیت و این سیاست ادامه خواهد یافت. تنها با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی است که شرایط برای زندگی در صلح و آسایش و رفاه برای مردم ستم‌دیده‌ی ایران فراهم خواهد شد.

## کمک های مالی

علی‌اکبر صفایی فراهانی ۳۰ فرانک  
سیامک اسدیان (اسکندر) ۴۰ فرانک  
حمید اشرف ۳۰ فرانک  
محمد کاسه‌چی ۵۰ فرانک  
امیر نبوی ۵۰ فرانک

### دانمارک

هوشنگ احمدی ۲۰۰ کرون  
دکتر نریمسیا ۲۰۰ کرون  
خروش (ژانویه) ۲۰۰ کرون

### ایران

آبان ادامه دارد ۱ میلیون تومان

### آمریکا

مهسا ۲۵ دلار  
از سپاهکل تا حکومت شورایی ۵۰ دلار  
رفیق توکل حکومت شورایی ۱۰۰ دلار

### هند

داوود مدائن (نوامبر) ۵۰ یورو

### آلمان

گرامی باد یاد رفیق ایوب مدائن ۱۰۰ یورو





## دست طلاب و دین و خرافه از مدارس کوتاه!

می‌کند و برای نجات خود دست و پا می‌زند. یکی از این عرصه‌ها، آموزش و پرورش است که طی بیش از چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی دیگر در آن نه از آموزش به معنای واقعی کلمه خبری هست و نه از پرورش. بحران ساختاری در نظام آموزشی، افت تحصیلی، کمبود کلاس‌های درس و معلم، هزینه‌های کمرشکن تحصیلی و رواج خرافه به جای علم، حال و آینده ۱۶ میلیون دانش آموز و حدود یک میلیون معلم را تیره و تار کرده است. طبیعتاً جمهوری اسلامی که بنا به ماهیت ارتجاعی‌اش، خود عامل و زاینده این بحران است قادر نیست، راه حلی ولو موقت و محدود ارائه دهد. راه حل جمهوری اسلامی در پاسخ به این وضعیت فلاکت‌آمیز آموزشی، استخدام و اعزام طلاب و لشگری از مروجین دین و خرافه به مدارس است.

اخیراً مقامات حکومتی و نهادهای حوزوی خبر دادند که ۲۵ هزار طلبه از سوی آموزش و پرورش استخدام و به مدارس اعزام شده‌اند. رضامراد صحرانی وزیر آموزش و پرورش در مصاحبه‌ای پیرامون کمبود نیروی آموزشی در مدارس آمار دقیق تری ارائه داد. او به استخدام ۷۰ هزار معلم اشاره کرد و گفت در میان این ۷۰ هزار تن، ۲۵ هزار طلبه، ۱۳۰۰ نفر مربی قرآن و ۵۸۰۰ تن نیروی جهادی هستند. این طلاب و نیروهای حوزوی در قالب طرحی موسوم به «طرح امین» به مدارس فرستاده می‌شوند تا بزعم جمهوری اسلامی، هم مشکل کمبود معلم برطرف گردد و هم «ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی» تبلیغ و ترویج شود. قطعاً این «راه حل» کم‌دی-تراژیک، خود به بحران‌های دیگری تبدیل خواهد شد. حضور ارتش مفتخوران معمم در مدارس- یکی از کانون‌های اصلی اعتراضات متهورانه سال گذشته دختران نوجوان علیه جمهوری اسلامی و اعوان و انصار آنها- قادر به مهار جو و روحیه اعتراضی دانش‌آموزان نخواهد بود. از قضا این طلابند که در جمع دانش‌آموزانی که یک سال پیش در چنین روزهایی هم روسری خود را به آتش می‌کشیدند و هم در خیابانها «عمامه پرانی» می‌کردند، معذب خواهند بود. ممکن است این طلاب به عنوان چشم و گوش حکومت و به قصد شناسایی معلمین و دانش‌آموزان معترض وارد عمل شوند، اما پتانسیل اعتراضی موجود در مدارس و شکاف فرهنگی این نسل با عوامل رنگارنگ حکومتی، این نقشه‌ها را بی اثر خواهد کرد. به ویژه این که طی سال‌های گذشته، همراهی و همبستگی خانواده‌های دانش‌آموزان با فرزندانشان و معلمان علیه تهدید و ارباب در مدارس، روز به روز گسترش یافته و بلوک متحدتری از دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها در مقابل سیستم آموزشی مبتنی بر خرافه شکل گرفته است. اگر زمانی اکثر اولیا برای داشتن نمره انضباط و معدل بالاتر، فرزندان خود را مجبور می‌کردند مصلحتاً به اراجیف توجه کنند، اما امروز ورق برگشته است. امروز دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در مقابل تعرض

عوامل جهل و سرکوب می‌ایستند. خانواده‌ها علیه حملات شیمیایی در مدارس شعارهای ضد حکومتی سر می‌دهند و اعتراض می‌کنند. احسان هوشمند، جامعه‌شناس در مورد نزدیکی آرمان‌ها و سبک زندگی دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان چنین می‌گوید: «دانش‌آموزان با سبک‌های مختلف زندگی می‌کنند و مردم سعی می‌کنند فرزندانشان در فضایی متفاوت از فضای مدارس دولتی تحصیل کنند».

این طرح البته برای معلمان نیز تبعاتی در بر خواهد داشت. بودجه‌ای که باید به استخدام کادر آموزشی و فرهنگیان اختصاص داده شود، از این پس آشکارا به حلق طلاب استخدامی ریخته خواهد شد. حضور همزمان معلم و معمم در مدارس تنش‌های دیگری نیز به دنبال خواهد داشت. معلمی که کارش تدریس علم است قطعاً با طلبه‌ای که کارش اشاعه خرافه و جهل است، آیش در یک جوی نخواهد رفت.

تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی بیشترین ضربات و صدمات را از وجود یک حکومت سرمایه‌داری ارتجاعی و مذهبی متحمل شده‌اند. دروس مذهبی گرچه با زور به محتوی آموزشی افزوده و تحمیل شده‌اند، اما امروز شاهد عدم علاقه دانش‌آموزان به این دروس هستیم. سقوط نظام آموزشی، افت کیفیت تحصیلی از دیگر تبعات بحران در سیستم آموزشی است. روزنامه اعتماد در گزارشی در مورد افت کیفیت تحصیلی چنین می‌نویسد: «نیمی از دانش‌آموزان معدل زیر ۱۰ دارند. کاهش معدل نتیجه کاهش نمرات دانش‌آموزان در دروس تعلیمات دین، قرآن و عربی است. از سوی دیگر رئیس سازمان نهضت سواد آموزی تعداد «بی‌سوادان مطلق» در کشور را ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در گروه سنی ۶ سال به بالا اعلام کرده است. آمار متفاوتی از ترک تحصیل دانش‌آموزان منتشر شده است. مرکز آمار جمهوری اسلامی، دست کم به ۵۵۶ هزار مورد ترک تحصیل اشاره می‌کند که ریشه در فقر و تنگدستی دارند. علی اصغر فانی وزیر پیشین آموزش و پرورش آمار ترک تحصیل کنندگان را ۹۳۰ هزار تن اعلام

کرد. علت ترک تحصیل عمدتاً ناشی از فقر است. مرکز آمار علاوه بر فقر به کاهش دسترسی کودکان به امکانات آموزشی، همه‌گیری کرونا و محرومیت از تحصیل نیز اشاره می‌کند. یکی دیگر از معضلات لاینحل در آموزش و پرورش کمبود معلم است. به گفته رحیم عابدی معاون پیشین وزیر آموزش و پرورش با کمبود ۲۰۰ هزار معلم در سطح کشور روبرو هستیم. این معضل در مناطق محروم بمراتب وخیم‌تر است. بطور مثال مدارس در خاش در سه ماه اول سال تحصیلی فاقد معلم بودند و حق الزحمه معلمان این مدارس ماه‌ها پرداخت نشده است. معلمان شاغل در آموزش و پرورش علاوه بر حقوق نازل و فشار کار، با تهدید و ارباب و خطر دستگیری زندان نیز مواجهند. هم‌اکنون ده‌ها فعال فرهنگی در زندان‌های جمهوری اسلامی به سر می‌برند. جمهوری اسلامی ممکن است با استخدام فله‌ای طلاب و گسیل آن‌ها به مدارس، بخشی از مشکل بیکاری طلبه‌ها و ارتش مفتخواران دینی را حل کرده باشد اما قطعاً قادر نخواهد بود ذره‌ای از معضلات نظام بحران زده آموزشی را حل کند. در مقابل اما صفی عظیم با پتانسیلی وسیع وجود دارد که می‌تواند علیه این گستاخی جمهوری اسلامی و حضور اعوان و انصارش به حرکت در آید و ایضا بساط دین و دولتش را در هم بپیچد. این، صفی است متشکل از کارگران و زحمتکشان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها - که عمدتاً از کارگران و زحمتکشان‌اند -، معلمان و روشنفکران انقلابی. این صف، برای دست‌یابی به آموزش رایگان، برافتادن بساط دین و مذهب از مراکز آموزشی باید به حرکت در آید. معلمان و فرهنگیان با اتکا به مبارزات و تجارب تاکتونی‌شان می‌توانند در این میان نقش مهمی ایفا کنند.

سیستم آموزش و پرورش به تحولی انقلابی و دموکراتیک نیاز دارد چرا که ده‌ها میلیون نفر در دمکراتیزه شدن نظام آموزشی ذی‌نفع خواهند بود. با برافتادن دولت سرمایه‌داری و دین از سیستم آموزش و پرورش طبقاتی- مذهبی، مراکز آموزشی به مراکزی پویا و با نشاط تبدیل خواهند شد که در آن علم و کسب مهارت و تجربه در خدمت تعالی و پیشرفت انسان و کمک به حفظ محیط زیست خواهد بود.

کار - نان - آزادی

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## برآشتگی و هذیان گویی خامنه ای برای چیست؟

هزار میلیارد تومانی رسیده است. در کنار بحران های درونی حاکمیت، فقر و فلاکت و بیکاری نیز ادامه یک زندگی حداقلی را از مردم گرفته است، تشدید تورم و افزایش سرسام آور قیمت ها سفره کارگران و زحمتکش را بکلی تهی و شکاف طبقاتی را عمیق تر ساخته است. توده های مردم برای رهایی از وضعیت مرگبار موجود به سمت مبارزه ای شایسته برای تغییر و تحولات بنیادی بپا خاسته اند. این وضعیت متلاطم، که آستن طوفان های سهمگین اجتماعی است هم اینک بسیاری از جریان های درون حاکمیت را نیز نسبت به ادامه کاری جمهوری اسلامی دچار تردیدهای جدی کرده است. بازتاب تلاطمات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود در بالایی ها، گسترش مبارزات کارگران و زحمتکش و دیگر لایه های اجتماعی و مهمتر از آن ناتوانی حاکمیت در برون رفت از بحران های ناعلاج موجود، رهبر مستبد جمهوری اسلامی را بیش از هر زمان دیگری به هذیان گویی کشانده است.

با شکل گیری این وضعیت، نگرانی خامنه ای نسبت به شرایط ناپایدار جامعه بیشتر، فاصله سخنرانی های او کمتر و روحیات فاشیستی او بیش از هر زمان دیگری نمایان شده است. تا جاییکه این جنبه از روحیات رهبر خودکامه جمهوری اسلامی را در هر سخنرانی او می توان دید و شنید. خودکامه ای مفلوک که هر بار با قرار گرفتن در مقابل جماعتی از پامنبری های خود فرصت می یابد تا مشتکی لاطانات را به خورد آنان بدهد.

در یک سخنرانی، مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان را تحقیر و با انکار حق برابری زن و مرد، "عدالت زنان" را در جامعه اسلامی تبیین و آنان را به نشستن در خانه و مشغول شدن به "خانه داری و فرزندآوری و مادری" تشویق می کند. در جایی دیگر برای جلوگیری از ریزش حواریون خود، ادعای پیامبری می کند، در کلامی دیگر همه را به اطاعت و فرمانبرداری از خود فرا می خواند و در تازه ترین سخنرانی اش نیز که روز چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲ در دیداری که با مداحان مزدور خود داشت برای گرم کردن "تنور" انتخابات اسفند ماه سال جاری که هم اینک روزهای سرد زمستانی خود را می گذراند، با روحیه ای فاشیستی اعلام کرد، مخالفت با "انتخابات"، "مخالفت با جمهوری اسلامی" و حتی فراتر از آن "مخالفت با اسلام" است.

اینکه خامنه ای در جمع گروهی از مداحان مدیحه گوی خود مدعی شده است که مخالفت با نمایش انتخاباتی رژیم، مخالفت با جمهوری اسلامی و مخالفت با اسلام است، طبیعتاً به مردمی که از جمهوری اسلامی عبور کرده اند و هم اینک به مبارزه برای سرنگونی این رژیم ارتجاعی و سفاک و آدمکش روی آورده اند، کمترین ارتباطی ندارد.

توده های مردم ایران، دستکم از دی ماه ۹۶ که به صورت علنی و مستقیم در مقابل جمهوری

اسلامی قرار گرفتند و با سر دادن شعار "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمام ماجرا"، نه تنها به دو دهه بازی مضمّن کننده انتخاباتی حاکمیت در انتخاب میان بد و بدتر خط بطلان کشیدند، بلکه پس از آن مبارزه ای سخت و دلاورانه را برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در پیش گرفته اند.

طبیعتاً برای کارگران و زنان و مردان و جوانان دلاوری که خیزش انقلابی دی ماه ۹۶، قیام شکوهمند آبان ۹۸ و جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" در نیمه دوم ۱۴۰۱ را پشت سر گذاشته اند، نه فقط "انتخابات" در جمهوری اسلامی بی اهمیت است، بلکه وجهه "اسلامی" حاکمیت نیز نزد آنان از هرگونه ارزش و اعتباری خارج شده است.

بی اهمیتی نمایش انتخاباتی و فراتر از آن بی ارزش شدن ماهیت اسلامی رژیم در نزد توده های مردم ایران چیزی نیست که از نگاه خامنه ای و جمهوری اسلامی دور مانده باشد. بنابراین، طرف خطاب خامنه ای مبنی بر اینکه کسانی که در انتخابات شرکت نکنند مخالف جمهوری اسلامی و مخالف اسلام هستند، هرگز نمی تواند کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، نویسندگان، هنرمندان و دیگر لایه های اجتماعی جامعه باشد که سال هاست عطای نمایش انتخاباتی رژیم را به لقایش بخشیده اند. پس هذیان گویی خامنه ای متوجه چه کسی یا چه نیروهایی است؟

بدون شک نگرانی و برآشتگی خامنه ای می تواند در واکنش به آندسته از نیروهای درون حاکمیت باشد که کماکان به اصل نظام و اسلامی بودن آن باور دارند اما به دلیل داشتن پاره ای ملاحظات برای گرفتن امتیاز از جناح مقابل، ظاهراً تصمیم گرفته اند در نمایش انتخاباتی اسفند ۱۴۰۲ شرکت نکنند.

به واقع طرف خطاب خامنه ای، گروهی از جریان موسوم به اصلاح طلبان هستند که تا قبل از دی ماه ۹۶، همواره تنور انتخابات فرمایشی جمهوری اسلامی را با هیزم کارت بازی توهم پراکنی در میان مردم گرم می کردند. نیروهای "اصلاح طلبی" که هر بار با ترساندن مردم نسبت به روی کار آمد نیروهای "بدتر" بجای نیروهای "بد" - که منظور خودشان بودند - با استفاده از ابزارهای مجازی بخشی از مردم را به پای صندوق های رای می کشانند و آنان را به انتخاب "بد" در مقابل "بدتر" تشویق می کردند. کارتی که طی دو دهه به استمرار سرکوبگرانه حاکمان فاشیست جمهوری اسلامی کمک های شایانی کرد. اما با خیزش انقلابی دی ماه ۹۶ که توده های مردم ایران با شعار "اصلاح طلب اصولگرا، دیگر تمام ماجرا"، به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی برخاستند، این کارت فریبکارانه آنان نیز بکلی سوخت و پس از آن توسل به این کارت بازی نه فقط برای "اصول گرایان" بلکه برای خود "اصلاح طلبان" حکومتی نیز از حیز انتفاع افتاده است.

حال این پرسش پیش می آید که اگر حضور و یا

عدم حضور "اصلاح طلبان" حکومتی در خیمه شب بازی انتخابات پیش رو کمترین تأثیری در کشاندن توده های مردم به پای صندوق رای ندارد، پس چرا خامنه ای همچنان بر سر "اصلاح طلبان" حکومتی نهیب می کشد و عدم شرکت آنان در "انتخابات" را به مخالفت با جمهوری اسلامی و مخالفت با اسلام خوانده است. به راستی ماجرا چیست و ریشه این برآشتگی و هذیان گویی خامنه ای در کجا و از برای چیست؟

بر کسی پوشیده نیست، که با شکل گیری جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" که تا مرز سرنگونی جمهوری اسلامی پیش رفت، فاصله میان مردم و حاکمیت آنچنان عمیق گشته است که دیگر بازگشت جامعه به روزهای پیش از شهریور ۱۴۰۱ اساساً نه مقدور است و نه ممکن. زنان و مردان و دختران و جوانانی که در جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" به کف خیابان آمدند و به بی رحمانه ترین شکل ممکن توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده شدند، جامعه را کاملاً دو قطبی کرده است. با گذشت بیش از یک سال از سرکوب وحشیانه جنبش انقلابی نیمه دوم ۱۴۰۱، هنوز فریاد دادخواهی خانواده های صدها مبارز کشته شده از هر سو بلند است. هنوز نبض جامعه در تب و تاب تحولات بنیادی می تپد. هنوز به تاسی از خیزش و قیام و نبردهای خیابانی نیمه دوم ۱۴۰۱، در زیر پوست جامعه غوغایی برپاست. جامعه به شدت متلاطم و ناآرام است و در یک کلام میان حاکمیت و توده های مردم ایران دریایی از خون فاصله است. دریایی خونین و طوفانی که فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی و محاکمه عاملان ۴۵ سال سرکوب و جنایت و کشتار به آرامش خواهد رسید.

شکل گیری این وضعیت، نه فقط ادامه کاری حاکمیت به روال گذشته را ناممکن کرده است، بلکه شکاف عمیقی هم در میان جریانات مختلف "اصلاح طلبان" حکومتی بر سر حضور یا عدم حضور آنان در نمایش انتخاباتی ایجاد کرده است. در یک سر این گسست و شکاف، "حسین مرعشی"، دبیرکل "کارگزاران سازندگی" - جریان منتسب به هاشمی رفسنجانی- قرار دارد که به تازگی طی گفتگویی با طرح پیشنهاد میانجیگری فرد معتمدی که مورد وثوق "اصلاح طلبان" و خامنه ای باشد، خواهان شرکت "اصلاح طلبان" در "انتخابات" شده است. و در سمت دیگر این ماجرا "جواد امام"، مدیر عامل بنیاد باران و سخنگوی جبهه موسوم به اصلاحات قرار دارد که در واکنش به سخنان "حسین مرعشی" گفته است: اصلاح طلبان نباید برای انتخابات بعدی مجلس کاری انجام دهند. به هر حال ما باید شرایط کشور را در نظر بگیریم که اساساً برای انتخابات جایگاهی قائل هستند یا نه؟ و اینکه مردم و حضور و مشارکت مردم جایگاهی دارد یا نه؟ اگر تجدینظری که لازمه انتخابات، مشارکت و حضور مردم است، از طرف برگزار کنندگان و ناظرین و خصوصاً شورای نگهبان صورت بگیرد، شرایط فرق می کند اما اگر مطابق دو انتخاب گذشته باشد اساساً این گروه خیلی به دنبال مشارکت و حضور مردم و تنوع سلیقه سیاسی نیستند. لذا اگر این روال

## "شرمنده‌ام که بچه خوبی برای شما نبودم"

۳۰ آذر سال جاری دو کارگر پیمانکاری پتروشیمی چوار ایلام، جواد نوروزی و مصطفی عباسی پس از آنکه کارفرما اعلام کرد دیگر نیازی به آن‌ها ندارد و اخراج هستند، هردو در داخل کارخانه خود را به دار آویختند و به زندگی خود پایان دادند. این دو کارگر که ۸ تا ۱۸ سال سابقه کار داشتند به جمع ۴ رفیق کارگر خود مجد منصور، علی‌محمد کریمی، آرش تبرک و حیدر محسنی پیوستند که آن‌ها نیز سال گذشته و بعد از اخراج، به زندگی خود پایان داده بودند. پتروشیمی چوار ایلام که در اخراج و تشدید فشار بر کارگران و سوق دادن آن‌ها به سوی مرگ و خودکشی ید طولانی دارد، اخیراً ۱۳ کارگر را اخراج نمود که دو تن دست به خودکشی زدند اما از سرنوشت ۱۱ کارگر دیگر خبری در دست نیست.

نیازی به توضیح نیست در روزگاری که حتی کارگران شاغل نیز قادر به تأمین نیازهای زندگی نیستند و برای امرارمعاش و ادامه یک زندگی نه حتی معمولی و متوسط که در پایین‌ترین سطوح آن با هزار و یک مشکل و کمبود و گرفتاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، زندگی یک کارگر اخراجی یا بیکار که هیچ‌گونه ممر درآمدی ندارد و از جانب هیچ نهاد و مؤسسه‌ای حمایت مالی نمی‌شود، تا چه حد غیرقابل‌تصور با مشکلات و تنگناهای گوناگون غیرقابل‌تحمل عجیب است. فقر، نداری، بیکاری و تبعات آن از مهم‌ترین عوامل خودکشی به‌ویژه در میان کارگران است. بیهوده نیست که میزان خودکشی‌ها در استان‌های فقیر و محروم بیشتر است.

در سال ۱۴۰۱ تنها در ظرف کمتر از ۱۰ ماه (۲۸۳ روز) ۲۳ کارگر به دلیل فقر، معوقات مزدی یا اخراج دست به خودکشی زده و جان باختند (هر ۱۲ روز یک کارگر). ۱۱ مورد به دلیل اخراج و ممنوع‌الورود شدن به محل کار، ۵ مورد به دلیل فقر و بیکاری، ۴ مورد به خاطر مشکلات معیشتی ناشی از معوقات مزدی، یک مورد پس از درگیری با کارفرما و ۲ مورد نامشخص. این کارگران در ۱۰ مورد از طریق خودسوزی، ۶ مورد حلق‌آویز، ۳ مورد مصرف قرص و ۲ مورد با شلیک اسلحه به زندگی خود پایان دادند. ۵ مورد از این تعداد مربوط به ایلام بوده است، ۳ مورد کهگیلویه و بویر احمد، ۳ مورد خوزستان، ۳ مورد کرمانشاه، ۲ مورد فارس. استان‌های آذربایجان غربی، قزوین، گیلان، گلستان، کرمان، خراسان رضوی و سمنان نیز هرکدام یک مورد.

علاوه بر دلایل اقتصادی، عوامل گوناگون دیگری مانند فشارها و دلایل اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی نیز در میزان خودکشی‌ها مؤثر بوده است. سه استان در غرب کشور بیشترین میزان خودکشی را داشته‌اند. استان کرمانشاه ۱۰/۵ نفر به ازای هر صد هزار نفر، ایلام ۵ / ۱۱ نفر و کهگیلویه و بویر احمد ۸ / ۱۱ نفر. متوسط این سه رقم ۲۶ / ۱۱ نفر به ازای هر صد هزار نفر، بیش از دو برابر متوسط کشوری است. بعدازاین استان‌ها، استان لرستان، همدان و چهارمحال بختیاری بالاترین آمار خودکشی را به نسبت جمعیت دارند.

مطابق آمار مرکز آمار طی ۱۰ سال از ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ تعداد خودکشی‌هایی که منجر به مرگ شده‌اند از ۳۵۵۹ مورد به ۵۰۸۵ مورد رسیده و بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است. اگرچه آمار دقیقی در مور شمار خودکشی در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ انتشار نیافته، اما روند فزاینده خودکشی ادامه داشته، بیش‌ازپیش تشدید شده و گسترش بیشتری یافته است. در سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۰۰۰ نفر در اثر خودکشی جان‌باخته‌اند. میزان کل اقدام به خودکشی بیش از ۱۲۰ هزار مورد یعنی دست‌کم بیست برابر خودکشی‌هایی است که منجر به مرگ شده‌اند. (تجارت نیوز). این‌ها البته موارد ثبت‌شده است. موارد زیادی از این حوادث در هیچ جا ثبت نمی‌شوند و بنابراین ارقام واقعی از این هم هولناک‌ترند.

فقر و فلاکت و بدبختی خانواده‌ها گاه چنان شدید و فشارهای اجتماعی چنان سنگین و ناامیدی چنان عمیق است که خودکشی دسته‌جمعی در جایگاه نجات از چنین وضعیتی جلومگر می‌شود. دی‌ماه سال گذشته (۱۴۰۱) یک کارگر ۳۸ ساله ساکن خلیل‌آباد در اثر فقر و نداری و درماندگی، نخست دو فرزندش را کشت آنگاه خود را حلق‌آویز کرد. در شهرستان دو رود استان

لرستان، مادری به دلیل مشکلات اقتصادی و خانوادگی، نخست سه فرزند خود، یک دختر ۳ ساله و دو پسر دوقلوی ۵ ساله و سپس خود را کشت. مادر، خوشبختانه یا شوربختانه زنده ماند، کودکان اما شوربختانه هر سه جان باختند.

جمهوری اسلامی دارای بالاترین نرخ خودکشی در خاورمیانه است و زنان و دختران سهم بیشتری در خودکشی دارند. در خودکشی زنان و دختران صرف‌نظر از عوامل اقتصادی، تبعیضات شدید جنسیتی، ازدواج‌های اجباری، زن‌ستیزی نهادینه‌شده در قوانین، فرهنگ مردسالار، اختلافات خانوادگی نقش مهمی ایفا می‌کنند. آمار خودکشی زنان و دختران در مناطق غربی کشور و استان‌هایی مانند ایلام، کرمانشاه و کردستان بسیار بالاست. بنا به گفته رئیس مرکز مشاوره دانشگاه علوم پزشکی ایران، سال ۱۴۰۰ حدود ۶۳ درصد از کسانی که اقدام به خودکشی نموده زن بوده‌اند.

خودکشی گرچه در نفس خود نوعی اعتراض به وضع موجود است ولی برخاسته از یأس و نومیدی و در بهترین حالت "نجات" فردی و تسلیم به وضع موجود است و راحل نیست. خودکشی در جامعه‌ی فقرزده‌ی بیمار و پراسترسی که جمهوری اسلامی معمار آن است نه‌فقط به یک پدیده روزمره تبدیل‌شده و نه‌فقط شمار آن به طرز دهشتناکی فزونی یافته است بلکه در حین فزونی، مرزهای سنی سال‌های گذشته را نیز درهم‌شکسته است. اگر پیش‌ازاین اکثر خودکشی‌های در سنین ۱۵ تا ۳۵ سالگی بود، اکنون این حدودمرز درهم‌ریخته و به سنین دانش‌آموزان زیر ۱۵ سال نیز تسری یافته است. افزایش شمار خودکشی و همزمان کاهش سن خودکشی، پدیده‌ی به‌غایت غمبار و دردناک و از نتایج نظامی است که از جمیع جهات با توده مردم دشمنی آشکار داشته و جز فقر، بیکاری، بی‌آیندگی، تباهی، فلاکت و بدبختی و ناامیدی ارمغان دیگری برای دانش‌آموزان، دانشجویان، جوانان، زنان، کارگران و آحاد مردم زحمتکش جامعه نداشته است. به‌جرت

در صفحه ۸



## برآشفستگی و هذیان گویی خامنه ای برای چیست؟

از صفحه ۶

ادامه یابد در نتیجه بحث اصلاح طلبان به تنهایی نیست، بحث این است که جامعه از این روند استقبال نمی کند و اگر قرار باشد مردم استقبال نکنند، شاهد انتخابات بی رونقی خواهیم بود." (تاکیدها از ماست)

در واقع همین اعلام نظر نیم بند سخنگوی جبهه موسوم به اصلاحات است که خامنه ای را تا این حد به هذیان گویی کشانده است که عدم حضور آنان در "انتخابات" را به مخالفت با جمهوری اسلامی تعبیر و آنان را به خروج از "اسلام" تهدید کرده است. نگرانی خامنه ای البته صرفاً به خاطر این اظهارنظر دو پهلوی "اصلاح طلبان" که همچنان برای امتیازگیری به چانه زنی با حاکمیت مشغولند، نیست. نگرانی خامنه ای حتی برای عدم شرکت مردم در انتخابات هم نیست. چون به خوبی می داند که توده های مردم ایران از هرگونه انتخابات فرمایشی رژیم عبور کرده اند. نگرانی خامنه ای بیشتر از این جهت است که با اینگونه موضع گیری سران "اصلاح طلبان" حکومتی ممکن است طیف وسیعتری از نیروهای درون حاکمیت به سمت عدم حضور در انتخابات کشیده شوند. پر واضح است که "اصلاح طلبان" حکومتی نیز در وهله اول نگران شیوه عملکرد ناظرین، شورای نگهبان یا برگزارکنندگان "انتخابات" نیستند. آنان با اینگونه عملکرد پیش از این شورای نگهبان در رد صلاحیت بسیاری از کاندیداهایشان، باز هم بارها و بارها در انتخابات فرمایشی شرکت کرده اند. در وضعیت کنونی نگرانی عمده "اصلاح طلبان" حکومتی، عدم استقبال مردم از "انتخابات" است که آنان را به این نتیجه رسانده تا برای حفظ آبروی نداشته خود از مشارکت در "انتخابات" پرهیز کنند و بیش از این مایه آبرو ریزی خود نشوند.

تا نمایش انتخاباتی اسفند ماه سال جاری هنوز دو ماهی مانده است و در این مدت، "سیب" سیاست بازی "اصلاح طلبان" تا افتادن بر زمین چه بسا ممکن است هزاران چرخ بخورد و هیچ معلوم نیست که آنان بر این تصمیم خود باقی بمانند یا نه؟ که ماندن یا نماندن آنان بر تصمیم خود کمترین تأثیری بر توده های مردم ایران نخواهد داشت.

در این میان، آنچه برای توده های مردم ایران مهم است، همانا تشدید و گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حاکمیت شورایی است.



## "شرمندهام که بچه خوبی برای شما نبودم"

خودکشی به روش های مشابه، خودکشی چند همکلاسی و همدرسه ای و هممحلای و همه در سنین پایین اظهار نگرانی می کند. نگرانی این ها تنها در این محدوده است که خودکشی ها قبلاً بیشتر با "قرص و سم مورچه" بوده اما اکنون به صورت حلق آویز است. آش چنان شور شده که نماینده ایلام در مجلس ارتجاع نیز اعتراف می کند عمده دلیل خودکشی جوانان، بیکاری است و علی رغم پروژه های نفت و گاز در منطقه، جوانان استان بیکارند.

این اظهارات اما به اندازه سرسوزنی در اوضاع جاری و روند فزاینده خودکشی ها تغییر ایجاد نمی کند. فقر، بیکاری، بی آیندگی همچنان تشدید می شود. آسیب های گوناگون اجتماعی مدام گسترش می یابند. تمام عوامل و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، افزایش شمار خودکشی و کاهش سن خودکشی همچنان برجای خود باقی است. عوامل و شرایطی که زاینده و آفریننده انواع و اقسام خودکشی در تمام سطوح به ویژه در سنین پایین است.

باران ها، سانازها، آیتها و افروزهایی که از گزند گلوله گزمگان در خیابان و محکمه و حبس دستگاه آدمکش قضایی و طناب دار خون خواران جسته و رسته اند، بدین گونه در چنبره نظام ضد انسانی حاکم پرپر می شوند. این کودکان و نونهالان از اینکه بدین گونه خویشان خود را ترک می کنند، در کمال سادگی و به شیوه کودکان پاک ویی آرایش اظهار تأسف و "شرمندگی" می کنند، یک سطر کوتاه می نویسند و برای همیشه خاموش می شوند.

چنانکه آیتا در یادداشت یک سطری کوتاهی که از خود باقی گذاشت نوشته بود: "شرمندهام که بچه خوبی برای شما نبودم" و یک قلب هم کنار آن کشیده بود!

می توان ادعا کرد گسترش خودکشی در این ابعاد و شیوع آن در میان دانش آموزان و کودکان زیر ۱۵ سال در هیچ کجای جهان سابقه نداشته است.

در روزهای منتهی به هفته نخست آذرماه سال جاری ۵ دانش آموز، یک پسر و ۴ دختر در آبدانان که در یک محله زندگی می کردند و همدرسه ای بودند دست به خودکشی زدند و هر پنج نفر جان باختند. از فروردین تا شهریور سال جاری ۱۱ دانش آموز دیگر در همین شهر خودکشی کرده بودند. سال گذشته نیز در آبدانان که شهر کوچکی در ایلام است، ۱۲۰ نفر خودکشی کردند. آبدانان با رویداد بسیار تلخ و ناگوار مرگ ۵ دانش آموز، بار دیگر سیاهپوش شد. باران قمبری ۱۳ ساله که پدرش گوشی او را گرفته و مدتی وی را محدود کرده بود، پس از یک مشاجره به طبقه بالای خانه رفت و خودش را با شال حلق آویز کرد. به فاصله یک هفته دوستش افروز عبداللهی به دلایل مشابهی در کمد لباس خود را به دار آویخت. ساناز قمبری دخترعموی باران در روز چهلم باران وقتی که خانواده برای مراسم از خانه بیرون رفته بودند، درست به شیوه دو همدرسه ای خود به زندگی اش پایان داد. آیتا نوری با ۱۷ سال سن و سال آخر دبیرستان که خود را برای کنکور دندانپزشکی آماده می کرد نیز به همان شیوه خود را کشت.

خودکشی نونهالان و غنچه هایی که هنوز فرصت شکفتن نیافته اند، دانش آموزان و کودکانی که ۱۳ بهار بیشتر ندیده اند، چنان غیرقابل باور و چنان دردناک و تکان دهنده است که مو بر تن انسان راست می کند، تا عمق جانش را می سوزاند و هر انسانی را به فکر وامی دارد. الهام قاسمی نژاد "کارشناس واحد سلامت روانی اجتماعی و اعتیاد شبکه بهداشت آبدانان" از ازدیاد خودکشی،





## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



### زنده باد اعتصاب از اعتصاب کارگران مبارز فولاد اهواز حمایت کنیم

در پی اقدام علی محمدی، مدیر عامل کارخانه گروه ملی فولاد اهواز مبنی بر ممنوعیت ورود ۲۱ نفر از کارگران مبارز به شرکت و عدم اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، از صبح روز شنبه دوم دی ماه ۱۴۰۲، کارگران گروه ملی فولاد اهواز بار دیگر دست به اعتصاب زدند. در پی گسترش اعتصاب و کشیده شدن آن به همه بخش های خطوط تولیدی، کارگران اعتصابی که پیشتر هم به مدیر عامل شرکت جهت لغو ممنوعیت ورود رفقای همکارشان و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل هشدار داده بودند، به دلیل عدم اجرای خواست های خود، ابتدا در برابر دفتر مدیریت و سپس در مقابل دفتر معاونت فنی شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند و پس از آن در حرکتی متحدانه علی محمدی، مدیر عامل شرکت را از محل کار خود فراری دادند.

کارگران فولاد، بعد از فراری دادن مدیر عامل فاسد شرکت، برای جلب همبستگی مردم شهر از محل کارخانه تا میدان بقایی در ابتدای جاده اهواز - خرمشهر راه پیمایی کردند. کارگران معترض با سردادن شعارهای نظیر "ما کارگران فولاد، علیه جنگ و بیداد می جنگیم، می جنگیم" و "سفره ما خالی، ظلم و ستم کافیه" مجدداً با راهپیمایی و در صفوفی به هم پیوسته به کارخانه بازگشتند.

کارگران معترض فولاد اهواز با راهپیمایی و توقف تولید، ضمن تأکید بر اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل و لغو فوری ممنوع الورد شدن رفقای همکار خود، قاطعانه اعلام کردند بر بستر اتحاد و همبستگی مبارزاتی شان تا تحقق خواست های خود به مبارزه ادامه خواهند داد. اما، مدیریت شرکت در واکنش به مطالبات بر حق آنان با توسل به نیروهای مزدور حراست اقدام به مسدود کردن کارت ورود ۱۷ کارگر دیگر نمود و بدین ترتیب تاکنون ۳۸ نفر از کارگران به دلیل پافشاری بر مطالبات خود و همکارانشان از کار تعلیق شده اند. این اقدام سرکوبگرانه کارفرما سبب شد تا کارگران اعتصابی روزهای یکشنبه سوم و دوشنبه چهارم دی ماه بر تداوم اعتصاب و اعتراض تا تحقق مطالبات شان تأکید کنند.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز با اعتصاب و راهپیمایی شکوهمند خود که جلوه ای از مبارزات روبه رشد کارگران است، فصل تازه ای از اتحاد و همبستگی طبقاتی و مبارزاتی خود را برای پیگیری و تحقق خواست هایشان آغاز کرده اند. اعتصاب کارگران فولاد اهواز و اعتصابات دیگر مراکز تولیدی نشان می دهد، بر بستر شرایط بحرانی جامعه گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری اجتناب ناپذیر است. چرا که، نه جمهوری اسلامی و صاحبان سرمایه پاسخی به مطالبات تلنبار شده کارگران دارند و نه کارگران راهی برای عقب نشینی دارند. گسترش اعتراض و اعتصاب و توقف تولید در گستره ای همگانی یگانه راه رهایی کارگران از وضعیت مرگبار کنونی است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن حمایت از اعتصاب و خواست های برحق کارگران کارخانه گروه ملی فولاد اهواز، عموم کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی را به حمایت از اعتصاب و مطالبات کارگران فولاد اهواز فرا می خواند، و لغو ممنوع الورد شدن کارگران، ایجاد هرگونه تهدید و اخراج و محدودیت کاری برای کارگران اعتصابی فولاد اهواز را قویاً محکوم می کند و خواهان فوری بازگشت به کار همه کارگران ممنوع الورد است.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

**۴ دی ۱۴۰۲ - ۲۵ دسامبر ۲۰۲۳**

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1052 January 2024

## گرامیداشت حماسه سیاهکل

برگزاری مراسم پنجاه و سومین سالگرد حماسه‌آفرینان  
سیاهکل در هانوفر - آلمان

سخنران حسین منصوری

موضوع سخنرانی: چشم‌انداز تحولات  
سیاسی و آترناتیوها

اجرای ترانه سرود مصطفی گرگین  
پور، کبری دارستانی، طاهره نورزاد  
سنتور استاد ابوالقاسم شمسی

ورود به سالن ساعت ۱۸

زمان: شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲ برابر با  
۳ فوریه ۲۰۲۴

آدرس: Zu bettefedernfabrik 1  
30451 hannover

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

## تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای  
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای  
آزادی و سوسیالیسم بیکار می کنند

## بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه‌های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید.  
مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید .  
مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آترناتیو شورایی

### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی